

گزارش

کیانوش جهانپور جایش را به محمد هاشمی داد

توثیت‌باز پر حاشیه

از وزارت بهداشت رفت

آرمان ملی – امید کاجیان: کیانوش جهانپور مدیر روابط عمومی حالا دیگر سابق وزارت بهداشت، وسخنگوی سازمان غذا و دارو با حکمی که بهرام عین‌اللهی وزیر جدید بهداشت به محمد هاشمی داد به کار خود در روابط عمومی این وزارتخانه پایان داد. هاشمی جایگزین جهانپوری شد که البته به واسطه نامش با وزارت بهداشت در عصر کرونا و بی‌واکسنی خوش نام نبود. به‌خصوص به‌واسطه برخی توثیت‌ها و اظهارات جنجالی‌اش که نمکی بر زخم مردم به شمار می‌آمد. مثلاً زمانی که کسی از جهانپور خواست تا واکسن‌های ایرانی تأییدیه سازمان جهانی بهداشت را بگیرد و او در پاسخ نوشته بود شما نزدیک اجباری نیست(۱) و یا معروف‌تر از آن استفاده‌اش از واژه فیفوز در وصف کسانی که دائم هر کاری که وزارت بهداشت در زمینه واکسن می‌کند به آن خرده می‌گیرند. جهانپور این اواخر کمتر از نمکی وزیر بهداشت سابق در معرض انتقادات و البته حملات به واسطه نوع بیاناتش نبود. با این حال اما مروری به برخی اظهار نظرهای او نشان می‌دهد که تنها دو اظهارنظر گفته شده در بالا جهانپور را در حاشیه عوطه ور نکرد. توثیت بازی‌های کیانوش اتفاقا که گاه به مذاق مردم خوش می‌آمد و قبل از موج‌های بیپایی کرونایی برخی گفتارها و اظهار نظرهایش را نیز می‌ستودند و آن را شجاعانه تعبیر می‌کردند. اظهاراتی که برعکس برخی مقامات آن را نمی‌پسندیدند. اما بسیاری از اظهار نظرها و موضع‌گیری‌های او نیز سیاسی و علیه رای و نگاه مردم بود. جهانپور در دولت پیشین در حالی که به عنوان سخنگوی وزارت بهداشت هم معرفی می‌شد، ناگهان با حکمی از کار کنار گذاشته شد و سیما سادات لاری جایش را گرفت، با این توضیح که وزیر بهداشت وقت می‌گفت که اصلا ستمی به عنوان سخنگو نداشتیم که جهانپور در نقش روابط عمومی، سخنگو معرفی می‌شدیم که سادات لاری حالا سمت سخنگو را برای نخستین بار برعهده دارد و جهانپور هم در روابط عمومی وزارت بهداشت کارش را ادامه می‌دهد. شاید یکی از اتفاقاتی که در آن زمان دیدگاه‌ها را نسبت به جهانپور از سوی برخی مثبت و البته از سوی برخی صاحبان قدرت منفی کرد زمانی بود که علیه چین و اقدامات کرونایی‌اش سخن گفت. او در یک نشست خبری ویدئویی با خبرنگاران آمارهای چین درباره کرونا را «یک شوخی تلخ» خواند و گفت بر اساس گزارش‌هایی که دولت چین می‌داد «بسیاری از هم‌رگ جهان فکر کردند این بیماری مثل آنفلوآنزا است و مرگ و میر کمتری دارد.» جهانپور این را هم گفت که محافل آکادمیک دنیا بر اساس اطلاعات محققان چینی حداقل آنفلوآنزای تیپ‌آ را از ویروس نوپدید کرونا وحیتر قلمداد کرده‌اند. ولی در توثیتی بعدی سخاف این را نشان داد. در دولت پیشین در توثیتی حمله به مخالفان از ایشان خارج به کرونا را ادامه داد. موضوعی که البته با واکنش سفیر چین رویه ور شد. سفیر چین داخور و با کنایه خواهان مطالعه بیشتر جهانپور در این زمینه شده بود. قطعاً که البته این اظهارات جهانپور مطابق میل خیلی‌ها در درون مقامات هم نبود و در نهایت جهانپور مجبور به دل جویی از چینی‌ها شد. بسیاری می‌گویند کنار گذاشتن وی از سخنگویی می‌تواند بی‌ارتباط با این تقابل با چین نباشد. البته که ناراضیانی از برخی اقدامات جهانپور در بخشی از پیام نمکی برای جایگزینی سادات لاری به جای وی نیز مشخص بود آنجایی که نمکی می‌گوید: «از آنجا که هر گونه اظهار نظر سخنگو، دیدگاه رسمی دستگاه و وزیر مربوطه تلقی می‌شود لذا قبل از طرح موارد در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ضروری است هماهنگی لازم با اینجانب به عمل آید.» نمکی از سخنگوی جدیدش هم خواسته بود از سیاسی‌کاری پرهیز کند موضوعی که کنایه‌ای به جهانپور هم تلقی می‌شد. کیانوش جهانپور یکبار هم در توثیتی جنجالی یک مکس از برج آزادی که تصویر پرچم لبنان با تعاریف و تمجیدها به لبنان و… روی آن باز انداخته شده بود باز نشر داده بود و نوشت: «و به تیرج نقاری کسی بر نمی‌خورد عرض کنم: نقش تصویر استاد شجریان روی برج آزادی کمترین کاری بود که این دوسه روز می‌شد انجام داد نه به اون افراط برخی نه به این فریطها.»

اصولگرای چراغ خاموش؟

به‌رغم برخی از این گفته‌ها در مجموع جهانپور را خیلی‌ها چهره‌ای اصولگرا می‌شناسند با آن که زمانی همسر یکی از اعضای اصلاح‌طلب شورای شهر پنجم به حساب می‌آمد اما موضع‌گیری‌های زیادی داشته که علیه اصلاح‌طلبان است. درست حین زمان جدال درباره تعداد جان باختگان کرونا میان شورای شهر تهران با وزارت بهداشت. شورای شهر معتقد بود آمار فوتی‌های تهران برائش کرونا در بهشت زهرا نشان می‌دهد آمار فوتی‌های کرونای ایران بسیار فراتر از آن چیزی است که اعلام می‌شود و خواستار اعلام تفکیکی فوتی‌ها در شهرهای مختلف شده بود. در عوض جهانپور به آن‌ها پاسخ داد متخصمان شمارش صندوق آرای انتخابات نیستیم که آمارها را به کسی اثبات کنیم. در دوره انتخابات هم بعضی از آمارها را قبول نداشتند. پیش‌تر در مورد یکی از اعضای شورای شهر گفتمیم ایشان متخصص تولد است، بهتر است در مورد تخصص خود صحبت کند تا مرگ و میر. «بخشی از اظهارات جهانپور البته نسبت به یکی از اعضای شورای شهر اصلاح‌طلب تهران نیز در واقع ناهید خداکرمی است و تخصص او در حوزه مامایی بود. اما به صراحت در این اعمال نظر و قیاس انتخابات ۸۸ به اصلاح‌طلبان حمله کرد. او در زمان حوادث آبان سال ۹۸ توثیت‌هایی نوشت که با اعتراض شدید مخاطبان مواجه شد. دفاع از قطعی این‌ترتت هم قطعا چیزی نبود که در آن برهه خیلی‌ها می‌پسندیدند. در مجموع جهانپور و فعالیت‌ها و اظهاراتش دو لبه داشتند که البته در نهایت باعث می‌شد که نه این طرف و نه آن طرف روی خوشی به او نشان دهند هر چه بود اینکه اکنون او دیگر نه سخنگوی وزارت بهداشت است نه مسئول روابط عمومی‌اش. این‌آیین جدایی، حواشی کیانپور و توثیت‌بازی‌ها و شاید افشاگری‌ها و… او را بیشتر می‌کند، یا نه او به کنار می‌رود.

آرمان ملی

شعیب بهمن در گفت و گو با «آرمان ملی»:

غربی‌ها در برابر ایران محافظه کار شده‌اند

رویکرد ایران در مذاکرات نسبت به گذشته متغیر خواهد بود

نگاه جدید به همسایگان موجب توازن

در سیاست خارجی می‌شود



آرمان ملی – سهیل ثابت: آخرین دور مذاکرات برجامی کمتر از ۳ ماه پیش در وین به پایان رسید و طرفین برای تصمیم‌گیری نهایی به پایتخت‌های خود بازگشتند تا در مورد چگونگی حل اختلافات و نحوه توافق به جمع بندی برسند و دور هفتم مذاکرات وین به توافق، احیای برجام و لغو تحریم‌های ایران منجر شود. این در حالی‌ست که با تغییر دولت در ایران این پروژه چندماه به تعویق افتاد و اکنون همه از لزوم استارت مجدد این مذاکرات می‌گویند. گروهی معتقدند تاخیر در مذاکرات می‌تواند دستبندی‌ها هر چه سریع‌تر به توافق را کم‌رنگ‌تر کند و باعث شود فرصت طلایی برای ایران از بین برود و مذاکرات آنطور که باید پیش نرود. در این راستا برای بررسی رویکرد دولت جدید در حوزه سیاست خارجی و برجام و تبعات تاخیر در مذاکرات «آرمان ملی» با شعیب بهمن کارشناس مسائل روسیه به گفت و گو پرداخته‌است که می‌خوانید.

بسیاری بر این عقیده‌اند که ایجاد تاخیر در مذاکرات آتی در راستای احیای برجام می‌تواند فرصت مناسب را از ایران گرفته و احیانا خسارت‌هایی را هم وارد سازد و در موعد مقرر به سمت مذاکره رفت و حتی پیش قدم شد؛ تحلیل شما از این مساله چگونه‌است؟

به تعویق افتادن تداوم مذاکرات امری طبیعی محسوب می‌شود چون به هر حال در داخل ایران دولت و به تبعه آن وزیر امور خارجه تغییر کرده و احتمال اینکه تیم مذاکره کننده نیز دستخوش تغییر و تحولات جدی شود وجود دارد. ضمن اینکه دولت فعلی نسبت به دولت پیشین سیاست‌های نسبتا متفاوتی را در حوزه سیاست خارجی در دست پیگیری دارد. از این حیث می‌توان گفت که دلیل به تعویق افتادن مذاکرات تاحدی مشخص است. اما اینکه ایران در آینده چگونه مذاکره خواهد کرد به نظر می‌رسد استراتژی مذاکراتی ایران در حال تغییر و تحول است. در گذشته اگر صرف مذاکره اهمیت بسیار زیادی داشت سیگنال‌هایی که دولت جدید ایران در آینده مبنی بر این است که مذاکره صرفا در جایی برای ایران اهمیت دارد که بتواند به نتیجه‌ای مشخص ختم شود. در عین حال به نظر می‌رسد سیاست دولت جدید مبتنی بر این باشد که همزمان اقدامات عملی خود را در حوزه توسعه فناوری هسته‌ای هم پیش ببرد و آن اقدامات را صرفا به خاطر اینکه می‌خواهد مذاکرات به جریان بيفتد متوقف نکند. بنابراین این می‌توان گفت اگر چه مذاکره انجام خواهد شد اما تا حد زیادی استراتژی و رویکرد ایران نسبت به گذشته متغیر خواهد بود.

با توجه به موضع مقامات کشورمان در خصوص مذاکرات؛ نوع نگرش اروپایی‌ها و رویکرد آمریکایی‌ها به احیای برجام چقدر می‌توان امیدوار بود؟

مجموعه شرایط و بوداوت این مساله را نشان می‌دهد که به هر حال تغییر و تحولات دولت در ایران، به تعویق افتادن مذاکره و همچنین سیاسیاتی که دولت جدید در پیش خواهد گرفت به نوعی تقلا را در قدرت‌های غربی دامن زده برای اینکه ایران مجددا به پای میز مذاکره برگردد. اگر رسانه‌ها و تحلیل‌های منتشر شده در غرب را نیز مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم این نگرانی در تحلیل‌های غربی هم وجود دارد که تأکید می‌کنند ممکن است مذاکرات برجام اولویت اصلی دولت جدید در ایران در سیاست خارجی نباشد و ایران سمت و سوهای دیگری را در سیاست خارجی خود دنبال کند. بنابراین با توجه به این رویکرد و سیگنال‌های طرف‌های غربی می‌دهند. اگر چه آنها نمی‌خواهند متهم شوند که میز مذاکره را ترک می‌کنند ولی در عین حال باید توجه داشته باشیم که ایران هم در توقف روند مذاکرات صحبت نکرده و همچنان اعلام کرده که به ادامه مذاکرات البته با شرایط جدیدی تمایل دارد. در خلاف اینکه برخی حس می‌کنند اظهارات مقامات اروپایی و آمریکایی هشدار یا تهدید است به نظر می‌رسد که آنها تا حد زیادی خودشان از اینکه ایران ممکن است رویه دیگری در مذاکرات آتی در پیش بگیرد، هراسناک شده‌اند و به همین دلیل تقلا می‌کنند که سریع‌تر روند مذاکرات شروع شود.

با توجه به اینکه سیاست خارجی دولت جدید بیشتر متمركز بر روابط با همسایگان است و به نظر می‌رسد پرونده برجام نیز مثل دولت قبل مورد توجه دستگاه سیاست خارجی نخواهد بود؛ آینده این توافق و احیای آن را چطور می‌بینید؟

ایران به هر حال یکی از طرف‌های حاضر در این مذاکرات است و در گذشته به تمام تعهدات خود پایبند بوده تا زمانی که طرف‌های دیگر این

پنجشنبه <p>۱۴۰۰‏•‏۰۶‏•‏۱۸</p>	سال چهارم <p>شماره ۴۱۱۰</p>	armanmeli.ir
۰۲ مهر ۱۴۴۳ ‏ • ‏ ۰۹ ‏ • ‏ ۰۲ سپتامبر ۲۰۲۱		

محسن کوهکن در گفت و گو با «آرمان ملی»:

جنگ طلبان در افغانستان دچار تعجر فکری هستند

حمایت از راه‌حل‌هایی می‌کنیم که موجب حذف هیچ گروهی نشود

طالبان می‌توانند ننگ عملکرد خود را در ۲۰سال گذشته بیوشاند

ایران از جان مردم افغانستان حمایت خواهد کرد



آرمان ملی – نرگس کارخانه‌ای: «دولت فراگیر» عبارتی است که از زمان حضور طالبان در کابل و برگ‌بازها از سوی خود طالبان و حامیان آنها شنیده‌شد. وزرای منتخب و رئیس دولت طالبان مشخص شدند اما هیچ فردی خارج از طالب‌ها در میان آنها حضور ندارد. از سوی دیگر جنگ حاصل از عدم توافق میان طالبان و احمد مسعود در پنجشیر ادامه دارد و مردم در نقاط مختلف افغانستان در حال اعتراض هستند. در این میان پیش‌بینی‌های متعددی صورت گرفته‌است که احتمال می‌دهند طالبان چندان دوام نخواهد داشت. در داخل ایران نیز برخی کارشناسان بر این باورند اما نمی‌توان گفت موضع ایران تغییر کرده‌است و به نظر می‌رسد برای روشن شدن این موضوع باید منتظر بود اقدامات دقیق‌تری انجام شود. در رابطه با ابعاد وضعیت و مواضع ایران در شرایط کنونی افغانستان «آرمان ملی» به گفت‌وگو با محسن کوهکن، نماینده ادوار مجلس، پرداخته‌است که در ادامه می‌خوانید.

ایسران در شرایط کنونی افغانستان دقیقاً چه موضعی نسبت به دو طرف درگیر دارد؟

برخی در فضای مجازی گلابه دارند که چرا از طالبان به خوبی یاد شده و چرا با آنها مخالفت نشده‌است. اما جمهوری اسلامی در مواقع مختلف در خصوص افغانستان مواضع منطقی، معقول، بلندمدت و تیزبینانه داشته‌است. آنچه مسلم است این است که ما در سیاست خارجی به اتکای مبانی فکری خود مسیری را دنبال می‌کنیم که کمترین زیان و ضرر را برای ملت مظلوم افغانستان داشته باشد، ملتی که سه مدت‌ها تحت تأثیر آثار زیان‌بار جنگ و بمب‌باران‌های آمریکا بوده‌اند. ما در ایران از راه‌حل‌هایی حمایت می‌کنیم که سبب حذف هیچ گروهی در افغانستان نشود، چرا که آن گروه در آینده می‌تواند اپوزیسیون دولت مرکزی باشد. دست‌اندرکاران داخلی افغانستان، طالبان و پنجشیر، نیز به این نتیجه رسیده‌اند که اگر بخواهند نجات پیدا کنند و حداقل مدتی در حکومت دوام داشته باشند باید از همه اقوام برای حکومت دعوت کنند و دولتی فراگیر تشکیل دهند، در غیر این صورت آنها همچنین می‌توانند اگر در پس پرده با آمریکاییان بر سر امری بسته باشند، چندان موفق به پیاده کردن طرح‌های آنها نخواهند بود چراکه آنها خود در زمان استقرار خودشان و با وجود دولت دست نشانده و تجهیزات نظامی نتوانستند چندان کاری پیش ببرند و نتیجه در نهایت چنین شد که مردم در نارضایتی از دولت دست نشانده آمریکا حتی حاضر به مقاومت برابر طالبان نشدند. در این میان ایران باید رصد کند و از هر برنامه‌ای که بر اساس آن جان مردم بیشتر حفظ شود و مردم در آن کمتر آسیب ببینند، حمایت خواهد کرد، برنامه‌هایی چون دولت فراگیر با حضور تمام دست‌اندرکاران از سبب نفع و ضرر آن بررسی می‌شود. اما این تحلیل می‌کند که آمریکا‌یی‌ها برنامه دارند مانند عراق که می‌خواستند به سه کشور تقسیم کنند و موفق نشدند افغانستان را به دو کشور شمالی و جنوبی تبدیل کنند و یک جریان تندرو، وابسته به تشکیلات پاکستان، را بر سر کار آورند، اما اینها همه فرض‌های مختلف است. اگر هم طالبان چنین باشد که شما می‌گویید بالاتر از سیاهی رنگی نیست و به طالبان ۲۰ سال پیش بر می‌گردد. آن طالبان نیز تجربیاتی کسب کرده‌اند و می‌دانند کوچک‌ترین تگ‌بده به ایران چه هزینه‌های سنگینی را برای آنها خواهد داشت، لذا نگرانی برای ایران وجود ندارد. اما مواضع‌گیری‌های ما باید حساب شده باشد. باید رصد شود و اگر آنها به سمت اقداماتی به نفع مردم افغانستان رفتند و به کمک نیاز داشتند دیگر موضوع دفاع از مردم افغانستان مطرح است و در آن صورت تکلیف و وظیفه دیگری خواهیم داشت.

تمام تخم‌مرغ‌های خود را در یک سبد بگذارد، تحلیل شما چیست؟

این گذاشتن تخم مرغ در یک سبد نیست. زمانی که آمریکایی‌ها متحدان خود را جمع کردند و به صدام پس از اشغال کویت حمله کردند، برخی در داخل کشور از تریبون‌های رسمی گفتند که ما دنبال رویایی با آمریکایی‌ها بوده‌ایم و حالا صدام خالدبن ولید است و باید به کمک او برویم. جمله‌ای است که ما در سیاست خارجی به اتکای مبانی فکری خود مسیری را دنبال می‌کنیم که کمترین زیان و ضرر را برای ملت مظلوم افغانستان داشته باشد، ملتی که سه مدت‌ها تحت تأثیر آثار زیان‌بار جنگ و بمب‌باران‌های آمریکا بوده‌اند. ما در ایران از راه‌حل‌هایی حمایت می‌کنیم که سبب حذف هیچ گروهی در افغانستان نشود، چرا که آن گروه در آینده می‌تواند اپوزیسیون دولت مرکزی باشد.

طالبان می‌تواند با دولتی فراگیر افغانستان را از این وضعیت خارج کند و ننگ عملکرد خود را در ۲۰سال پیش بیوشاند. اما اگر فکر کنند که می‌توانند صورت حاکمیت همان افکار متحجرانه قبل را تحت‌لوی دولت تشکیل شده خود انجام دهد، جنگ خونریزی از سر گرفته خواهد شد

کیم، در جنگ باطل با باطل تنها به طرفین توصیه می‌شود با یکدیگر نجنبند. در موضعی چون فلسطین و صهیونیست‌ها، جبهه حق و باطل کاملا مشخص است، از سوی دیگر در موضوع جنگ آذربایجان و ارمنستان، ارمنستان مسیحی‌ها و آذربایجان مسلمان‌ها ما از آذربایجان به پیاده کردیم دلیل مسلمان بودن حمایت نکردیم و در کنار آنها نجنبیدیم، بلکه طرفین را به خوشتنداری دعوت کردیم و خواستیم از جنگ پرهیز کنند. فرض کنیم طالبان قصد دارد پشت ادعاهای مثبت خود مثل دولت فراگیر، دولتی را بنیان خودی‌ها تشکیل دهد، شک نداشته باشید اگر چنین شود دیگر تنها جبهه مقابل آنها پنجشیر نخواهد بود بلکه دیگر مجموعه‌ها در افغانستان نیز سر بر خواهند آورد و افغانستان به سمتی خواهد رفت که نگران آن هستیم، مثل چند تکه شدن کشور. عده‌ای نیز تحلیل می‌کنند که آمریکا‌یی‌ها برنامه دارند مانند عراق که می‌خواستند به سه کشور تقسیم کنند و موفق نشدند افغانستان را به دو کشور شمالی و جنوبی تبدیل کنند و یک جریان تندرو، وابسته به تشکیلات پاکستان، را بر سر کار آورند، اما اینها همه فرض‌های مختلف است. اگر هم طالبان چنین باشد که شما می‌گویید بالاتر از سیاهی رنگی نیست و به طالبان ۲۰ سال پیش بر می‌گردد. آن طالبان نیز تجربیاتی کسب کرده‌اند و می‌دانند کوچک‌ترین تگ‌بده به ایران چه هزینه‌های سنگینی را برای آنها خواهد داشت، لذا نگرانی برای ایران وجود ندارد. اما مواضع‌گیری‌های ما باید حساب شده باشد. باید رصد شود و اگر آنها به سمت اقداماتی به نفع مردم افغانستان رفتند و به کمک نیاز داشتند دیگر موضوع دفاع از مردم افغانستان مطرح است و در آن صورت تکلیف و وظیفه دیگری خواهیم داشت.

دیدگاه

افغانستان؛ اسب‌رام‌نشدنی تاریخ

ادامه از صفحه یک
وضعیت سیاسی فرهنگی افغانستان را آنگونه که با واقعیات روز همسویی داشته باشد، درک کند. بول‌های عربستان، حرکت پاکستان و حمایت از مدارس مذهبی متعصبی که طالبان را تحویل اجتماع دادند، شرایط را در افغانستان به گونه‌ای رقم زد که ما با تأسف در افغانستان به‌رغم همفکری، هم‌دینی و اشتراک فرهنگی، جای محکمی نداریم. در حکومت قبلی شش‌ساله طالبان در افغانستان تنها سه دولت پاکستان، عربستان و امارات، دولت طالبان را به رسمیت شناختند. در حرکت جدید طالبان، به‌رغم اینکه دولت پاکستان گفته می‌شود در قطع پنجشیر نیروی هوایی و پهپادهای آن بوده‌اند که فعال‌شاکله نهضت مقاومت را در هم شکسته‌اند و به‌رغم بسته بودن همه حساب‌های بانکی دولت افغانستان به‌وسیله آمریکا و غربی‌ها، مخارج نظامی و اداری طالبان را عربستان تامین می‌کند و قطر پایگاه اصلی طالبان در طول بیست‌سالی که افغانستان در اشغال آمریکا بود، شده‌است، این سه دولت هم هنوز طالبان را به رسمیت شناخته‌اند. اما نوع نگاه دولتمردان ایرانی و بعضا حمایتی که اهل سنت خصوصا مولوی‌های سیستان و بلوچستان از طالبان دارند، ایران را در مظان این اتهام قرار داده‌است که با طالبان همسوهستند. از طرفی، نشانه‌هایی از این همسویی هم در طول ۲۰ سال گذشته دیده می‌شد. مثلاً لامنصور اختر محمد، رهبر قبلی طالبان از سفری که از ایران به پاکستان داشت، در مرزهای ایران و پاکستان به وسیله پهپادهای آمریکایی کشته شد. تا جایی که دکتر محمدجواد ظریف و دیگر دولتمردان به نوعی حرکت طالبان را تأیید کردند اما فایده ایران و نمری که طی این مدت با این حمایت‌ها از افغانستان و طالبان جدید افغانستان برده‌ایم، چیست؟ طالبان چهره‌ای از اسلام را نشان می‌دهند که در قرن ۲۱ پذیرفته‌شدنی نیست. رهبرانی که امروز در کابینه معرفی شده از ناحیه طالبان به سمت‌های سیاسی رسیده‌اند، در تعقیب بین‌المللی می‌باشند، چه که خود را رهبر افغانستان می‌داند و اجازه این را دارد که دولت در زمان کارآمد تشکیل دهد؟ چه کسی مجوز به این‌ها داده‌است که از کشورهای دیگر کمک بگیرند و نهضت مقاومت ملی افغانستان را به شکست بکشند؟ مردم داخلی افغانستان به خودشان مربوط‌است اما راه الگویی که مدعی هستند اسلامی‌است، با کدام یک از موازین اسلامی مطابق است. نحوه حضور زنان در مجامع عمومی، حضور دختران در دانشگاه‌ها و برده‌ای که بین دانشجویان کشیده شده‌است، عدم دعوت از زنان کارمند در ادارات و پیاده کردن نوعی از اسلام افراطی با این بهانه که اسلام این است، ضربه کاری به اسلام واقعی می‌زند. افغانستان تا حضور طالبان خود را جمهوری اسلامی افغانستان می‌نامید و هم‌اکنون به مدعی اسلامی افغانستان شهرت دارد. تبعیتی که مورد نظر طالبان است و بین چند ماصورت گرفته‌است، چه‌بظری به مردم افغانستان دارد. با کدام‌توانن اساسی این اختیارات را برای خود قائلند که شکلی از اسلام را به جهان معرفی کند که باعث وهن جامعه جهانی نسبت به اسلام حقیقی می‌شود. آیا پذیرفتنی‌است در کنار مرزهای ما دولتی سر کار بیاید که در همه امور سیاسی، عقیدتی، مذهبی با دولت ایران متفاوت است و اما خود را نماد اسلام می‌داند. اگر با افاغنه سرور کار داشته باشید در آرزوی خراسان بزرگ هستند تا جایی که محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور فراری افغانستان در یکی از سخنرانی‌های خود با حرارتی وصف ناشدنی گفت باید کاری کرد که مشهد، فرهای در مقابل هرات افغانستان باشد. و یا به صراحت بعد از افتتاح سد ساخته شده در رود مشترک مرزی ماغلان کرگرفت در مقابل آب. خشکی سیستان و بلوچستان و کوچ هزاران هزار مردم این منطقه از خشکسالی ناشی از عدم تعهدات دولت افغانستان و قراردادهای بین المللی مبنی بر تعیین سهمیه آب رودهای مشترک مرزی است. افغانستان آب رام نشده‌ای است که امیدوارم این سبب همانگونه که به انگلستان، شوروی، آمریکا و در گذشته به طالبان پاکستانی سواری نداد، اینبار هم با همان رویه رام‌نشدنی خود اجازه ندهد قرائتی سخت از اسلام باعث جدایی جامعه اسلامی شود. دولتمردان ما باید هوشیارانه به قضیه افغانستان نگاه کنند. طالبان، طالبان است. دشمن هزاره و مخالف فرهنگ غنی ایرانی در کنار مرزا.

نگاه

ضرورت بازنگری

در سیاست‌های منطقه‌ای ایران

ادامه از صفحه یک
احقرات ترکیه در تمناى عضویت و تثبیت جایگاه اروپایی نمی‌توان از سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه عدم تحکم و قلدری‌تنبه‌ناشد. تا توجه به اغفال دولت‌های متعدد آمریکا توسط قدرتهای اروپایی نمی‌توان از آمریکا انتظار سیاست خارجی معقول داشت. آمریکا بیست سال پیش با طالبان جنگید و افغانستان را مجدداً به طالبان بخشید. بیش از هر کشور دیگری، انگلیس از خروج آمریکا از افغانستان ناراحت شد و فغان وار بود که آمریکا دیگر بر قدرت نیست. انگلیس در وقتی آمریکا در ریل سیاسی انگلیس در خاورمیانه حرکت کند، پشت نقاب آمریکا بنهانی می‌شود و در صورت عقب نشینی، شکست و اعتراف به اشتباه توسط آمریکا، وارد میدان می‌شود. حضور وزیر امور خارجه انگلیس در حوزه همسایگان افغانستان موند نظریه فوق است. اغفال آمریکا توسط انگلیس در عراق تولید ادامه دارد. گزارش ۴وییه ۲۰۰۴ کنگره بر ارائه اطلاعات دولت فلوت نیوتن بلر انگلیس به دولت جورج بوش پسر در آمریکا برای تجاوزه به عراق تأکید دارد. به نظر می‌رسد در روابط منطقه‌ای با همسایگان و آمریکا در بین‌الملل باید بازسازی به عمل آورد. حضور در واشنگتن نه به معنی روابط با آمریکا بلکه پیشگیری از اغفال قدرت سخت آمریکا توسط انگلیس و اسرائیل و تصحیح سیاست‌های غلط گذشته در پرداخت غرامت بازسازی کشورهای اسلامی غرب آسیا صورت پذیرد. احیا و فعال کردن سازمان همکاری اگوا با کشورهای ایننگارذمانی ترکیه، ایران و همکسانی بهترین سبکی اجرای آمانان دادن به منطقه‌ای اسلامی با مردم خسته از تجاوزگری و اشغال و مداخله گران خارجی است. شجاعت در بازنگری سیاست خارجی می‌تواند سرنوشت منطقه را در گام دوم انقلاب در مسیر سعادت و رفاه در صلح و امنیت قرار دهد.